

از عزت‌ملک‌خانم تا اشرف السلطنه

عزت‌ملک‌خانم، از نوادگان فتحعلی میرزا، دومین شاه قاجار است که سال ۱۲۴۴ خورشیدی در کرمانشاه به دنیا می آید. پدرش امام‌قلی میرزا عمادالدوله، حاکم کرمانشاه(والی غرب و سرحددار عراقین) از رجال دوره ناصری است و همین سبب می شود در نه‌سالگی به‌عنوان همسر دوم، به عقد محمدحسن خان اعتمادالسلطنه درآید که در آن زمان، پیشخدمت و آجودان سلطان صاحبقران است. مکتوبات می گویند محمدحسن خان که سفیر ایران در فرانسه بوده، بعد از بازگشت از مأموریت چهارساله خود، مترجم ملازم ناصرالدین شاه می شود و سپس سمت‌هایی چون مدیریت روزنامه رسمی، ریاست دارالترجمه دربار، معاونت وزارت عدلیه، ریاست دارالتألیف، عضو مجلس شورای دولتی و وزارت انطباعات(چاپ و نشر) را برعهده می گیرد. نزدیکی او به شاه قاجار چنان است که لقیش از صنیع الدوله به «اعتمادالسلطنه، تغییر می‌یابد. این لقب جدید که در سال ۱۳۰۴ پشت نامش نوشته می‌شود، برای همسر او نیز یک عنوان مهم به‌دنبال دارد و عزت‌ملک‌خانم را به «اشرف‌السلطنه، مشهور می کند.

یمن الدوله، برادرزاده اشرف‌السلطنه(فرزند شاهزاده سلطان محمدمیرزا) هشت سال پس از مرگ او در ابتدای جلد اول این خاطرات درباره عمه‌اش می‌نویسد: «مرحوم شاهزاده عزت‌ملک‌خانم ملقب به اشرف‌السلطنه، صبیّه مرحوم عمادالدوله امام‌قلی میرزا ابن محمدعلی میرزا دولت‌شاه‌ابن فتحعلی شاه‌قاجار است که در زمان حکمرانی پدرش در کرمانشاهان متولد گردیده و در جوانی با اعتمادالسلطنه که آن وقت حسن‌خان پیشخدمت‌شاه‌بود، شوهر کرده، به تهران آمده است.»



مترجم اختتامی ناصرالدین شاه محمدحسن اعتمادالسلطنه

تحریر روزنامه خاطرات

اعتمادالسلطنه، شوهر اشرف‌السلطنه، در جایگاه وزیری انطباعات، نه‌تنها کتاب‌های اندیشمندان بسیاری را ترجمه می کند که روزنوشته‌های ارزشمندی نیز دارد. مهم‌ترین این روزنوشته‌ها، روزنامه خاطرات خودش است که طی سال‌های(۱۲۹۲ تا ۱۲۹۳) و (۱۲۹۸ تا ۱۳۱۳ قمری) در چهارده جلد نوشته شده‌و اطلاعات بی‌نظیری از ایران دوره ناصری ارائه می‌دهد. از آنجا که اعتمادالسلطنه از نزدیکان شاه بوده، بنابراین کمتر روزی است که به حضور شاه نرود و مدت درازی با جناب تاجدار نباشد. این نزدیکی سبب می‌شده، او هرشب پس از اینکه از حضور شاه به منزل می‌رفته، به نوشتن شرح وقایع آن روز بپردازد، نگارشی که به قول خودش، «احدی از آن خبر نداشت، جز عیالش. تنها کسی که از تحریر این خاطرات باخبر است، اشرف‌السلطنه است که گاهی به‌علت کسالت یا خستگی شوهر، محرر(تحریرکننده و نویسنده) روزنامه نیز می‌شود. یمن الدوله، برادرزاده اشرف‌السلطنه، در همین زمینه می‌نویسد: «عیال صنیع‌الدوله یک دوره تقریباً کامل از این خاطرات به خط خود نوشته بوده است که اکنون در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد موجوداست و یگانه نسخه‌ای است که ظاهراً از این یادداشت‌ها دردسترس است.»

ناگفته نماند، روزنامه اعتمادالسلطنه به دو بخش تقسیم می‌شود؛ یک قسمت مربوط به ۲۹ جمادئ‌الاول ۱۲۹۲ تا ۱۹ محرم ۱۲۹۳ است که در یک مجلد نوشته شده است و دنباله ندارد، اما قسمت دیگر این یادداشت‌ها به ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۲۹۸ تا ۱۴ شوال ۱۳۱۲ مربوط است؛ پنج روز قبل از فوت اعتمادالسلطنه و این یعنی، تقریباً دوره این یادداشت‌ها به خط اشرف‌السلطنه است مگر خاطرات مربوط به ۱۰ رمضان ۱۳۱۰ که به خط خود اعتمادالسلطنه نوشته شده است.

تحریر روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه به قلم اشرف السلطنه

شوهر مهدی اشرف السلطنه

اما بخشی از زندگی اشرف‌السلطنه در مشهد می‌گذرد که ماجرایش چنین است؛ برابر اسناد تشکیلات آستان قدس، در دوره صفویه و افشاریه تنها در زمان غیبت متولی کارها و مسئولیت‌های او توسط نایب‌التولیه انجام می‌گرفته و به این دلیل تعداد نایب‌التولیه‌ها معدود است. در دوره قاجاریه نیز با گسترش تشکیلات آستان قدس، همچنین برای اداره بهتر امور، یک نفر به‌عنوان نایب متولی یا متولی‌باشی انتخاب می‌شود که شخص دوم این مجموعه به‌شمار می‌آید. آخرین نایب‌التولیه دوره قاجار، سیدحسین عرب، است که از سادات موسوی محسوب می‌شود و نسبش با سی واسطه به ابراهیم المرتضی بن موسی‌الکاظم می‌رسد. او که ۳۳سال در این سمت خدمت می‌کند، فرزند حاجی سعید آل‌ثابت و یکی از دختران فتحعلی‌شاه قاجار است؛ از همین نظر با اشرف‌السلطنه فامیل و همچنین عمه‌زاده همسر سابق اعتمادالسلطنه است.

براساس نوشته‌های خود اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطراتش، سیدحسین عرب به سال ۱۳۰۲ قمری به‌همراه شیخ‌محسن خان معین‌الملک، سفیر کبیر مقیم استانبول، به ایران مهاجرت می‌کند و در زمانی که میرزا عبدالوهاب خان آصف‌الدوله والی گری خراسان و متولی‌باشی آستان قدس رضوی را عهده‌دار است، به مشهد می‌آید. آن‌طور که از مکاتبات آصف‌الدوله با ناصرالدین شاه برمی‌آید، شاه قاجار توجه ویژه‌ای به او داشته و در سایه همین توجهات هم بوده که پس از پدرش، کلیددار حرم حضرت ابوالفضل^(ع) می‌شود و بعدها به‌مقام نایب‌التولیه آستان قدس می‌رسد. این علاقه شاه آنچنان بوده که گویا، در مدت نیابت تولیت سیدحسین، هجده تن به‌عنوان متولی منصوب می‌شوند اما همیشه اوست که برحسب وظیفه، خلعت‌های تقدیمی آستانه را در نوروز سلطانی به پادشاهان و بزرگان حکومتی می‌داده و درمقابل، هدایایی از شاه دریافت می‌کرده است.

نگاهی به زندگی و فعالیت‌های نخستین زن مطبوعاتی

تاریخ ایران که مدفون مشهد است

خط اشرف السلطنه درمطبعه‌های قاجاری



هماسعادتند! برخی محققان و تاریخ پژوهان مطبوعات، معتقدند «عزت‌ملک خانم»، مشهور به «اشرف‌السلطنه»، همسر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات عصر ناصری، نخستین زن مطبوعه‌نگار تاریخ ایران است. این باور نیز از دو چیز نشئت می‌گیرد؛ نخست تحریر خاطرات روزانه اعتمادالسلطنه که در آن به آموختن فن روزنامه‌نگاری به اشرف‌السلطنه اشاره کرده است و دوم، سیاهه نسخه‌ای دست‌نویس از روزنامه وقایع اتفاقیه است که احتمال می‌دهند خط اشرف‌السلطنه باشد و بعدها بنا بر وصیت خودش به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا شده است. قرار سیدن ۱۷ مرداد و روز خبرنگار سبب شد در جست‌وجویی اسنادی، یادی کنیم از او که مدفون مشهد است اما زندگی و فعالیت‌هایش در مکتوبات تاریخی این شهر، گمنام و ناگفته باقی مانده است.

اولین روزنامه‌نگار و اولین عکاس زن ایران

همان‌طور که در مقدمه آمد، برخی محققان مطبوعاتی، اشرف‌السلطنه را نخستین زن مطبوعاتی تاریخ ایران می‌دانند. این باور ابتدا از همین تحریر خاطرات اعتمادالسلطنه و آموختن فن روزنامه‌نگاری در نزد او می‌آید و نسخه دست‌نویس روزنامه وقایع اتفاقیه که احتمال دارد به خط خود اشرف‌السلطنه باشد و بعدها به وصیت خودش به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا شده است. ماجرا از این قرار است که در جریان اجرای وصیت اشرف‌السلطنه توسط سیدحسین عرب، قدیمی‌ترین روزنامه ایران نیز به کتابخانه هدیه می‌شود که همان «روزنامه وقایع اتفاقیه» است و از سال ۱۲۶۷ تا ۱۲۷۷ قمری به‌همت امیرکبیر و بعد از او اعتمادالسلطنه چاپ شده است. نسخه روزنامه وقایع اتفاقیه، دست‌نویس و به خط نسخ است که احتمالاً دستخط شخص خود اشرف‌السلطنه باشد. علاوه‌بر این، سیدفرید قاسمی، پژوهشگر تاریخ مطبوعات ایران، در کتاب «مطبوعات ایرانی» خود چنین نوشته است: «اولین زن مطبوعات ایران، عزت‌ملک‌خانم است. همسر اشرف‌السلطنه در دوران ۲۵ سال زندگی مشترک با او، عهده‌دار امور مطبوعاتی بود و ۹ نشریه انتشار داد و نامش به‌عنوان نخستین وزیر انطباعات در تاریخ به ثبت رسید. در این مدت اشرف‌السلطنه، صمیمانه با او همکاری کرد و حتی بیشتر آنچه به‌عنوان روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه برجای مانده است، تقریر اعتمادالسلطنه و تحریر اشرف‌السلطنه است و دور نیست که آثار دیگری نیز تحریر او باشد». متن هیچ روزنامه دیگری را نمی‌توان با قطعیت به اشرف‌السلطنه منتسب دانست. علاوه‌بر این، اشرف‌السلطنه را اولین عکاس زن ایران هم می‌شناسند. اعتمادالسلطنه، همسر او، در روزنامه خاطراتش، بارها به عکاسی او اشاره کرده است. همچنین یمن الدوله در شرحی که در مقدمه جلد نخست این روزنامه نوشته، از عکاسی کردن عمه‌اش گفته است. او می‌نویسد: «عکس‌های قشنگ برمی‌داشت. عکاسی را نزد شاهزاده سلطان محمدمیرزاوالد کمترین آموخته بودند».

نخستین واقف مطبوعات

کتاب «روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه» که حاصل چهل سال حضوراعتمادالسلطنه در دربار ناصری است، پس از فوت او -در تاریخ ۱۳ فروردین ۱۲۷۵- به‌همراه پاره‌ای سکه قدیمی و قدری وجه نقد توسط ناصرالدین شاه ضبط می‌شود اماشاه هم ۲۹روز بعدش، می‌میرد و این موضوع به فراموشی سپرده می‌شود تا سال هفتم سلطنت مظفرالدین‌شاه که اشرف‌السلطنه، آن‌ها را از شاه قاجار درخواست می‌کند و درکنار دیگر کتب خطی همسر سابقش در کتابخانه خود قرار می‌دهد.

او در ادامه، وصیت نامه‌ای تنظیم و مقرر می‌کند، تمام این کتاب‌ها بعد از فوتش به کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی هدیه شود، به این ترتیب، کتابخانه حرم، بیشتر جلد‌های «روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه» را پذیرا می‌شود؛ البته یک جلد هم گویا نزد یمن‌السلطنه به امانت بوده که آن هم هشت سال بعد از وفات اشرف‌السلطنه، به کتابخانه مبارکه حضرتی واگذار می‌شود ودر کنار دیگر جلد‌های می‌گیرد. این ماجرا، اشرف‌السلطنه را به نخستین واقف و پایه‌گذار جمع‌آوری روزنامه و مجله‌های ایران تبدیل می‌کند. در وقف‌نامه او آمده است: «این یک

جلد کتاب روزنامه ایران به انضمام ۱۵۰ جلد دیگر بر کتابخانه مبارکه رضویه علی مشرف‌ها آلاف الثنا و تحیه که با مؤمنین و مسلمین از قرائت و مطالعه آن‌ها منتفع و بهره‌مند گردند و واقفه معظم را به دعای خیر یاد و شاد نمایند، مشروط بر اینکه از شهربند ارض اقدس بیرون نبرند و کمال محافظت را در ضبط و حفظ آن‌ها نموده، بدون قبض به کسی ندهند و زیاده‌از‌سه مامه در خارج کتابخانه مبارکه نگاه‌ندارند و تولیت آن‌ها در هر عصری از اعصار، به متولی‌باشی سرکار فیض آثار منقوص نمودند. وفقاً ضحیحاً شَرعياً یُخِثُ لِدِیابَع و لا یُوهِبُ و لا یُرهْثُ فَمَنْ بَدَّلَهُ بعد ما سَمِعَهُ اَثمَه علی الذِّینْ یبدلونَه فی ۳ شعبان المعظم ۱۳۳۴».

یمن‌السلطنه همچنین از وقف یک قریه توسط اشرف‌السلطنه گفته‌است که تصویر وقف‌نامه‌اش به‌شماره ۶۷۹ در آرشیومدیریت اسناد آستان قدس رضوی موجود است.



سند وقف یک جلد قرآن به‌همراه ۱۵۰ جلد کتاب بر حسب وصیت عزت‌الملوک اشرف‌السلطنه ۱۳۳۴ قمری.

خادمه حرم

اشرف‌السلطنه نیز گویا یک سال پس از فوت همسرش، همه املاک شوهرش را به‌جز کتاب‌های خطی اعتمادالسلطنه در تهران می‌فروشد و راهی مشهد می‌شود. این مهاجرت به‌احتمال زیاد به علت ازدواجش با یکی از عمه‌زاده‌هایش به نام سیدحسین آل‌ثابت(سیدحسین عرب) است که در مشهد مقام نیابت تولیت آستان قدس رضوی را برعهده دارد. آن‌طور که از اسناد آستان قدس برمی‌آید او در جمادئ‌الثانی سال ۱۳۱۵ قمری برابر با آبان ۱۲۷۶ خورشیدی خادم آستان قدس رضوی در مشهد بوده و موجب می‌گرفته است. خدمت او تا پایان مرگش در سال ۱۳۳۳ قمری در آستان قدس قطعی است؛ چون سندی با عنوان پرداخت مواجب به اشرف‌السلطنه، خادم ضریح، در ماه محرم این سال(دی ۱۲۹۳ خورشیدی) در مرکز اسناد آستان قدس موجود است.

سندپرداخت مواجب به اشرف‌السلطنه خادم ضریح، در ماه محرم، ۱۳۳۳ قمری.

سند پرداخت مواجب به اشرف‌السلطنه و بهجت‌السلطنه، خادمه‌های آستان قدس، در ماه جمادئ‌الثانی-۱۳۱۵ قمری.

اشرف‌السلطنه، مریم عمید نیست

بسیاری، اشرف‌السلطنه را با مریم‌عمیدسمنانی، ملقب به مزین‌السلطنه که از زنان روشن‌فکر و روزنامه‌نگار دوران قاجار بوده است، اشتباه می‌گیرند. فضای مجازی پر است از این اشتباه که تصویر عمید را به‌جای اشرف‌السلطنه به کار برده‌اند و سرگذشت یکی را برای دیگری نوشته‌اند.

مریم عمید در واقع تنها دختر میرسیدرضی سمنانی، ملقب به «رئیس‌الاطبا»، پزشک قشون ناصرالدین‌شاه و خواهر میرزاابراهیم عمیدالسلطنه(اولین نماینده سمنان و شاه‌رود در مجلس شورای ملی) است که نخستین نشریه زنان ایران به‌نام «دانش» را، در سال ۱۲۸۹ در تهران منتشر می‌کند. او بعد از تعطیلی هفته‌نامه دانش در سال ۱۲۹۲ خورشیدی، نشریه «شکوفه»، را به چاپ می‌رساند که روزنامه‌ای است با موضوعات اخلاقی، ادبی، حفظ‌الصحه اطفال، خانه‌داری، بچه‌داری، تربیت دوشیزگان، تصفیه اخلاق زنان و مدارس نسوان». مزین‌السلطنه در تابستان ۱۲۹۸ خورشیدی و در سفری که به زادگاه خود سمنان می‌رود، بر اثر سکنه قلبی فوت می‌کند.



مریم عمیدسمنانی، ملقب به مزین‌السلطنه

منابع:

روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه با مقدمه و فهرس ایرج افشار، چاپ دوم، ۱۳۵۰.

سند ها از مرکز اسناد آستان قدس رضوی

با تشکراز کاظم جلی‌تکبری، علی سلیمانی، فاطمه خندان و ابراهیم حافظی، کارشناسان این مرکز که زحمت یافتن اسناد مربوط به اشرف‌السلطنه را در گنجینه آستان قدس رضوی کشید‌اند.